

چرا چهار شکل؟ یا سه شکل یا شش شکل

عسکری سلیمانی امیری

چکیده

بحث از قیاس اقترانی و به اصطلاح اشکال اربعه، همواره از مباحث پرجاذبه است. ارسطو قیاس‌های اقترانی را سه شکل در نظر گرفت، ولی جالینوس و یا پیش از او فرد دیگری، شکل چهارم را بر این مجموعه سه شکلی افزود. نویسنده در این مقاله تلاش کرده تا نشان دهد که یا باید به سه شکل ملتزم شد و از بعضی از لوازم آن مانند شرایط انتاج شکل اول دست شست، و یا به شش شکل پای‌بند بود و شکل پنجم و ششم را هم پذیرفت.

کلید واژه‌ها:

قیاس اقترانی، حد وسط، اشکال اربعه، ارسطو، جالینوس، ابن سینا، فارابی.

پرتال جامع علوم انسانی

ارسطو قیاس‌های اقترانی را به سه شکل تقسیم کرد. وی به گونه‌ای قیاس‌های اقترانی را تقسیم کرده است که گویا فرض شکل دیگری را نمی‌توان برای آن تصور کرد. هر شکلی از قیاس‌های اقترانی دارای دو مقدمه و سه حد هستند. یکی از آن سه حد را حد اوسط می‌نامند که مشترک بین دو مقدمه است و هر یک از دو مقدمه دارای حد مخصوص به خود می‌باشد. در تقسیم قیاس اقترانی به سه شکل، مهم جایگاه حد وسط در دو مقدمه است. ارسطو می‌گوید: اگر حد وسط محمول در یک مقدمه و موضوع در مقدمه دیگر باشد، آن شکل اول است، و اگر حد وسط محمول در هر دو مقدمه باشد، آن شکل اوسط (دوم) است، و اگر حد وسط موضوع هر دو مقدمه باشد، آن شکل اخیر (سوم) است.^(۱) فارابی نیز در بیان اشکال دقیقاً مانند ارسطو به سه شکل معتقد است.^(۲) فارابی اشاره می‌کند که حد مخصوصی که موضوع نتیجه باشد، حد طرف اخیر و اصغر نامیده می‌شود و حد مخصوصی که محمول نتیجه را تشکیل می‌دهد، حد اعظم (اکبر) نامیده می‌شود. بنابراین، اگر "ا" را نماد اصغر و "ب" را نماد اوسط و "ج" را نماد اکبر و "*" را نماد نسبت ایجابی یا سلبی قرار دهیم، می‌توانیم اشکال سه‌گانه را به صورت زیر تنظیم کنیم:

*ب	*ب	*ب
(ش ۱) *ب ج	(ش ۲) *ب ج	(ش ۳) *ب ج
∴ *ا ج	∴ *ا ج	∴ *ا ج

اما آیا فرض دیگری برای این اشکال معقول نیست؟ ابن سینا می‌گوید: فاضل الاطباء (جالینوس) به شکل دیگری دست یافته بود که آن را شکل چهارم نام نهاده‌اند. شیخ‌الرئیس اشاره می‌کند که از آن جایی که این شکل بعید از طبع است از آن اعراض کرده‌اند.^(۳) برخی معتقدند که این شکل قبل از جالینوس شناخته شده بود.^(۴) صورت قیاس شکل چهارم بر اساس شکل اول و با جابه‌جایی صغری و کبری و نیز جابه‌جایی اصغر و اکبر در بخش نتیجه چنین است:

(۱) *ب ج	
(۲) *ا ب	(۴) ش
∴ *ج ا	(۳) ش

چرا چهار شکل؟ یا سه شکل یا شش شکل □ ۱۴۳

حال اگر به معیار در تقسیم شکل‌های ارسطو برگردیم به روشنی می‌بینیم که از نظر ارسطو این شکل مستقل از شکل اول نیست و باید آن را شکل اول به حساب آورد. به این بیان که طبق معیار ارسطو در این مورد، حد وسط در یک مقدمه محمول است و در مقدمه دیگر موضوع. اما مشکلی که در این جا مطرح است این است که وقتی آن را با نتیجه مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که نتیجه را می‌توان دو گونه مطرح کرد: یکی به صورت "ج * ا"، که در شکل اول نشان داده‌ایم و یکی به صورت "ج * ا" که در شکل چهارم به نمایش در آمده است. بنابراین، باید گفت که یا ارسطو به این شکل توجه نکرده است و یا اینکه این هم نوعی شکل اول است و در شکل اول مهم نیست که نتیجه چگونه آورده شود. اما این توجیه دارای مشکلاتی است که بیان خواهیم کرد. یکی از مشکلات، با توجه به تکمله معیاری که فارابی در شناسایی اشکال ثلاثه ارائه داده است، روشن می‌شود. آن تکمله این است که اصغر همیشه موضوع نتیجه و مطلوب است و اکبر همواره محمول نتیجه و مطلوب است. بنابراین، توجیهی را که در بیان ارسطو آورده‌ایم به هیچ وجه نمی‌توان در مورد معیار فارابی به کار گرفت؛ چرا که اگر (۱) صغرای قیاس باشد نتیجه حتماً باید (۳) «ج * ا» باشد و نمی‌توان «ا * ج» را نتیجه قیاس دانست. در صورتی می‌توان گفت که «ا * ج» نتیجه (۱) و (۲) است که (۱) را کبری و (۲) را صغری بدانیم. حال می‌توان نشان داد که ارسطو هم بر اساس تکمله معیار فارابی اشکال را تنظیم کرده بود. اگر این ادعا به اثبات برسد، معلوم می‌شود که نه فارابی و نه ارسطو به شکل چهارم توجه نکرده‌اند. برای اثبات این مدعا لازم است اشکال محتمل در شکل اول را بررسی کنیم. می‌دانیم که اشکال محتمل از محصورات اربع (موجبه کلیه، سالبه کلیه، موجبه جزئیه و سالبه جزئیه) در شکل اول شانزده است؛ زیرا صغری یا موجبه است یا سالبه و نیز یا کلیه است و یا جزئیه. بنابراین، در صغری چهار حالت فرض می‌شود. همین چهار حالت نیز در کبری فرض می‌شود. بنابراین، با احتساب چهار حالت در صغری در چهار حالت در کبری ۱۶ حالت استخراج می‌شود.

پیش از هر چیز لازم است که قواعد عام اشکال را مورد توجه قرار دهیم. قیاس در هر شکلی با رعایت این قواعد، منتج است که از آن‌ها به ضروب منتجه تعبیر می‌کنند. در غیر این صورت،

ضروب منتج نخواهند بود که اصطلاحاً این ضروب را عقیم می‌نامند. برخی از این قواعد از شروط سلبی هستند و برخی دیگر از شروط ایجابی‌اند:

۱. حد وسط لا اقل یک‌بار باید منبسط باشد.
۲. اگر حدی در منطقه نتیجه منبسط باشد، باید همان حد در مقدمات نیز منبسط باشد.
۳. از دو سالبه نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود.
۴. اگر یکی از دو مقدمه سالبه باشد، نتیجه باید سالبه باشد.
۵. از دو مقدمه موجه نمی‌توان نتیجه سالبه گرفت.

حد منبسط، حدی است که اگر موضوع قرار گرفته باشد، دارای سور کلی (هر / هیچ) باشد و اگر محمول قرار گرفت، قضیه سالبه باشد.

شکل اول			شکل چهارم			
ردیف	صغری	کبری	نتیجه	صغری	کبری	نتیجه
۱	هر ا ب است	هر ب ج است	هر ا ج است	هر ب ج است	هر ا ب است	بعض ج است
۲	هر ا ب است	بعض ب ج است	-----	بعض ب ج است	هر ا ب است	-----
۳	هر ا ب است	هیچ ب ج نیست	هیچ ا ج است	هیچ ب ج نیست	هر ا ب است	هیچ ج نیست
۴	هر ا ب است	بعض ب ج نیست	-----	بعض ب ج نیست	هر ا ب است	بعض ج نیست؟
۵	بعض ا ب است	هر ب ج است	بعض ا ج است	هر ب ج است	بعض ا ب است	بعض ج است
۶	بعض ا ب است	بعض ب ج است	-----	بعض ب ج است	بعض ا ب است	-----
۷	بعض ا ب است	هیچ ب ج نیست	بعض ا ج نیست	هیچ ب ج نیست	بعض ا ب است	بعض ج نیست؟
۸	بعض ا ب است	بعض ب ج نیست	-----	بعض ب ج نیست	بعض ا ب است	-----
۹	هیچ ا ب نیست	هر ب ج است	-----	هر ب ج است	هیچ ا ب نیست	بعض ج نیست
۱۰	هیچ ا ب نیست	بعض ب ج است	-----	بعض ب ج است	هیچ ا ب نیست	بعض ج نیست
۱۱	هیچ ا ب نیست	هیچ ب ج نیست	-----	هیچ ب ج نیست	هیچ ا ب نیست	-----
۱۲	هیچ ا ب نیست	بعض ب ج نیست	-----	بعض ب ج نیست	هیچ ا ب نیست	-----
۱۳	بعض ا ب نیست	هر ب ج است	-----	هر ب ج است	بعض ا ب نیست	بعض ج نیست؟
۱۴	بعض ا ب نیست	بعض ب ج است	-----	بعض ب ج است	بعض ا ب نیست	-----
۱۵	بعض ا ب نیست	هیچ ب ج نیست	-----	هیچ ب ج نیست	بعض ا ب نیست	-----
۱۶	بعض ا ب نیست	بعض ب ج نیست	-----	بعض ب ج نیست	بعض ا ب نیست	-----

چرا چهار شکل؟ یا سه شکل یا شش شکل □ ۱۴۵

در این نمودار، سه ستون اول، شکل اول با نتایج آن را نشان می‌دهد، سه ستون دوم، شکل چهارم و نتایج آن را نشان می‌دهد. حال آیا از نظر ارسطو و فارابی صرف نظر از تکمله معیاری که فارابی افزوده بود، می‌توان گفت که همگی از ضروب شکل اول است؟ اگر این مدعا درست باشد، باید به لوازم آن نیز ملتزم باشیم، یعنی باید بپذیریم که:

۱. از نظر ارسطو و فارابی ضروب شکل اول ۳۲ تاست؛ چرا که نتیجه را می‌توان به صورتی ذکر کرد که موضوع آن «ا» و محمول آن «ج» باشد و یا بالعکس، یعنی موضوع «ج» باشد و محمول آن «ا». اگر این دو حالت را با شانزده حالت ضرب کنیم، ۳۲ حالت بدست می‌آید. به عبارت دیگر، ترکیب دو مقدمه در هر یک از ۱۶ حالت قبلی به دو صورت قابل فرض است. در جدول بالا به روشنی نشان داده شده است که ستون چهارم و پنجم همان ستون اول و دوم است که دو مقدمه جایشان را عوض کرده‌اند، به این صورت که آن مقدمه‌ای که در ستون اول صغری قرار گرفته است، دقیقاً همان، در ستون پنجم کبری قرار گرفته است. همچنین آن مقدمه‌ای که در ستون دوم کبری قرار دارد، دقیقاً همان، در ستون چهارم صغری قرار گرفته است.

۲. همان‌طور که در جدول نشان داده‌ایم، باید پذیرفت که ضروب منتهجه حداقل ۱۱ تاست؛ «حداقل» برای اینکه در ستون ششم، سه مورد با علامت «؟» آورده شده است. بعضی از منطق‌دانان قیاس در این سه سطر را در شرایط خاصی منتج می‌دانند.^(۵) ولی از آنجایی که این خصوصیات مورد نظر ما نیست می‌گوییم ضروب منتهجه، نه تاست؛ چهار مورد از شکل اول و پنج مورد از شکل چهارم.

۳. نمی‌توان گفت از شرائط شکل اول، ایجاب صغری و کلیت کبری است؛ زیرا ارسطو و سایر منطق‌دانان گفته‌اند: برای انتاج شکل اول باید صغری موجه باشد و کبری کلیه، بنابراین، اگر صغری سالبه باشد یا کبری کلیه نباشد، قیاس منتج نیست. در حالی که، به جز سه موردی که علامت «؟» خورده است، در سطر سوم از ستون چهارم صغری سالبه است و نیز در سطر پنجم ستون پنجم، کبری جزئی است و قیاس در دو مورد منتج است.

بنابراین، تکمله معیاری، که فارابی ذکر کرده است، می‌بایست در شناخت اشکال رعایت شود

و شرایط انتاج هم بر اساس آن تنظیم شود. نتیجه‌ای که از این پژوهش بدست می‌آید این است که برای ارسطو و فارابی حقیقتاً شکل چهارم شناخته شده نبود و یا اینکه شناخته شده بود، ولی به جهت دوری بودن از طبع، این نوع استدلال را مطرح نکرده‌اند. احتمال دوم گرچه برای کسانی مانند ابن‌سینا که قطعاً شکل چهارم برای وی شناخته شده بود، قابل قبول به نظر می‌رسد، ولی برای امثال ارسطو یا فارابی، که معلوم نیست واقعبانه شکل چهارم دسترسی داشته‌اند، قابل قبول به نظر نمی‌رسد. حال با توجه به مطالب بالا، این پرسش مطرح است که آیا اشکال حداکثر چهار تاست یا بیش از آن قابل فرض است؟ باید گفت: همان‌طور که شکل چهارم دقیقاً همان مقدماتی را دارد که شکل اول دارد، ولی صغری و کبری جایشان را عوض کرده‌اند و این جابه‌جایی سبب شده است هم نتایجشان با هم متفاوت باشد و هم شرایط انتاج این دو شکل فرق کند، هم‌چنین با جابه‌جایی مقدمات شکل دوم و سوم با نتایج متفاوت روبه‌رو هستیم. بنابراین، در مقابل شکل دوم، شکل پنجم و در برابر شکل سوم، شکل ششم خواهیم داشت.

شکل پنجم			شکل دوم			
نتیجه	کبری	صغری	نتیجه	کبری	صغری	ردیف
-----	ه ر ا ب است	ه ر ج ب است	-----	ه ر ج ب است	ه ر ا ب است	۱
-----	ه ر ا ب است	بعض ج ب است	-----	بعض ج ب است	ه ر ا ب است	۲
هیچ ج نیست	ه ر ا ب است	هیچ ج ب نیست	هیچ ا ج نیست	هیچ ج ب نیست	ه ر ا ب است	۳
بعض ج نیست	ه ر ا ب است	بعض ج ب نیست	-----	بعض ج ب نیست	ه ر ا ب است	۴
-----	بعض ا ب است	ه ر ج ب است	-----	ه ر ج ب است	بعض ا ب است	۵
-----	بعض ا ب است	بعض ج ب است	-----	بعض ج ب است	بعض ا ب است	۶
-----	بعض ا ب است	هیچ ج ب نیست	بعض ا ج نیست	هیچ ج ب نیست	بعض ا ب است	۷
-----	بعض ا ب است	بعض ج ب نیست	-----	بعض ج ب نیست	بعض ا ب است	۸
بعض ج نیست	هیچ ا ب نیست	ه ر ج ب است	هیچ ا ج نیست	ه ر ج ب است	هیچ ا ب نیست	۹
بعض ج نیست	هیچ ا ب نیست	بعض ج ب است	-----	بعض ج ب است	هیچ ا ب نیست	۱۰
-----	هیچ ا ب نیست	هیچ ج ب نیست	-----	هیچ ج ب نیست	هیچ ا ب نیست	۱۱
-----	هیچ ا ب نیست	بعض ج ب نیست	-----	بعض ج ب نیست	هیچ ا ب نیست	۱۲
-----	بعض ا ب نیست	ه ر ج ب است	بعض ا ج نیست	بعض ج ب است	بعض ا ب نیست	۱۳
-----	بعض ا ب نیست	بعض ج ب است	-----	ه ر ج ب است	بعض ا ب نیست	۱۴
-----	بعض ا ب نیست	هیچ ج ب نیست	-----	هیچ ج ب نیست	بعض ا ب نیست	۱۵
-----	بعض ا ب نیست	بعض ج ب نیست	-----	بعض ج ب نیست	بعض ا ب نیست	۱۶

چرا چهار شکل؟ یا سه شکل یا شش شکل □ ۱۴۷

اگر شرایط انتاج شکل پنجم را استخراج کنیم، خواهیم دید که دقیقاً شرایط شکل دوم را داراست. همان طور که منطق دانان گفته‌اند، و در سطر ۳، ۷، ۹ و ۱۱ ستون اول و دوم ملاحظه می‌شود در شرایط شکل دوم، اختلاف دو مقدمه و کلیت کبری شرط است و نتایج به دست آمده همگی سالبه است. اما همان طور که در جدول در سطرهای ۳، ۴، ۹ و ۱۰ از ستون پنجم و ششم مشاهده می‌شود، در این سطور اختلاف دو مقدمه و کلیت کبری حفظ شده است. همان طور که ملاحظه می‌شود، ضروب منتجه از شکل پنجم، مانند شکل دوم، چهار تاست و نتایج آن نیز سالبه است. همچنین همان گونه که در جدول آمده است، در شکل دوم، قیاس در دو سطر ۷ و ۱۳، دارای نتیجه است، که آن دو سطر در شکل پنجم منتج نیست. برعکس، قیاس در دو سطر ۴ و ۱۰ از شکل پنجم منتج است، در حالی که قیاس در این دو سطر از شکل دوم منتج نیست و این اختلاف نشان می‌دهد که شکل پنجم مستقل از شکل دوم است. همان طور که اختلاف در نتایج همه ضروب منتج شکل دوم و پنجم از نظر موضوع و محمول نشان دهنده اصیل بودن هر یک از دو شکل است.

شکل هشتم			شکل سوم			
ردیف	صغری	کبری	نتیجه	صغری	کبری	نتیجه
۱	هر ب است	هر ب ج است	بعض ا ج است	هر ب ج است	هر ب است	بعض ج است
۲	هر ب است	بعض ب ج است	بعض ا ج است	بعض ب ج است	هر ب است	بعض ج است
۳	هر ب است	هیچ ب ج نیست	بعض ا ج نیست	هیچ ب ج نیست	هر ب است	-----
۴	هر ب است	بعض ب ج نیست	بعض ا ج نیست	بعض ب ج نیست	هر ب است	-----
۵	بعض ب است	هر ب ج است	بعض ا ج است	هر ب ج است	بعض ب است	بعض ج است
۶	بعض ب است	بعض ب ج است	-----	بعض ب ج است	بعض ب است	-----
۷	بعض ب است	هیچ ب ج نیست	بعض ا ج نیست	هیچ ب ج نیست	بعض ب است	-----
۸	بعض ب است	بعض ب ج نیست	-----	بعض ب ج نیست	بعض ب است	-----
۹	هیچ ب نیست	هر ب ج است	-----	هر ج ب است	هیچ ب نیست	بعض ج نیست
۱۰	هیچ ب نیست	بعض ب ج است	-----	بعض ج ب است	هیچ ب نیست	بعض ج نیست
۱۱	هیچ ب نیست	هیچ ب ج نیست	-----	هیچ ج ب نیست	هیچ ب نیست	-----
۱۲	هیچ ب نیست	بعض ب ج نیست	-----	بعض ب ج نیست	هیچ ب نیست	-----
۱۳	بعض ب نیست	هر ب ج است	-----	هر ب ج است	بعض ب نیست	بعض ج نیست
۱۴	بعض ب نیست	بعض ب ج است	-----	بعض ب ج است	بعض ب نیست	-----
۱۵	بعض ب نیست	هیچ ب ج نیست	-----	هیچ ب ج نیست	بعض ب نیست	-----
۱۶	بعض ب نیست	بعض ب ج نیست	-----	بعض ب ج نیست	بعض ب نیست	-----

همان‌گونه که در جدول مشاهده می‌شود، ستون نتایج سلبی در شکل سوم یعنی سطرهای ۳، ۴ و ۷ با مقدماتی به نتیجه می‌رسد که شکل ششم با آن مقدمات به نتیجه نمی‌رسد و در ستون نتایج سلبی، شکل ششم یعنی سطرهای ۹، ۱۰ و ۱۳ با مقدماتی به نتیجه می‌رسد که شکل سوم با آن نتایج به نتیجه نمی‌رسد. این اختلاف نیز حاکی از اصالت هر یک از این دو شکل است. در شکل سوم، شرایط انتاج، ایجاب صغری و کلیت یکی از دو مقدمه است و دقیقاً در شرایط شکل ششم، همان‌طور که در جدول دیده می‌شود، باید ایجاب صغری و کلیت یکی از دو مقدمه رعایت شود. تعداد ضروب منتج این دو شکل نیز با هم برابرند؛ یعنی ضروب منتج شکل ششم مانند شکل سوم شش صورت است.

بنابراین، چاره‌ای جز پذیرش یکی از دو راه ذیل نیست:

الف. قیاس اقترانی دارای سه شکل است و در این صورت:

۱. شرایط انتاج شکل اول تلفیقی از شرایط شکل اول و شرایط شکل چهارم است به این صورت که یا ایجاب صغری و کلیت کبری شرط است در صورتی که محمول صغری حد وسط باشد و یا اگر موضوع صغری حد وسط قرار گرفت، آنگاه یا کلیت صغری با ایجاب صغری و کبری و یا ایجاب صغرای جزئی با سلب کبری کلیه شرط می‌باشد.

۲. ضروب منتج آن نه شکل می‌باشد.

۳. شرایط انتاج شکل دوم و سوم همان است که قبلاً می‌گفتند.

۴. ضروب منتج شکل دوم هشت ضرب، و ضروب منتج شکل سوم دوازده ضرب است.

ب. قیاس اقترانی دارای شش شکل است و شرایط انتاج شکل اول با چهارم متفاوت است.

شرایط انتاج شکل دوم و پنجم و شرایط انتاج شکل سوم و ششم عین هم هستند؛ زیرا ضروب

منتج آن برابر است.

چرا چهار شکل؟ یا سه شکل یا شش شکل □ ۱۴۹

پی‌نوشت‌ها

- ۱- ارسطو، منطق، با تحقیق عبدالرحمن بدوی، (بیروت، دارالقلم، ۱۹۸۰م)، ص ۲۲۹.
- ۲- ابونصر محمد فارابی، المنطقیات للفارابی، تحقیق محمدتقی دانش‌پژوه، (قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ هـ.ق)، ص ۱۲۶.
- ۳- ابن‌سینا، الشفاء، تحقیق ابوالعلا عقیفی، (قاهره، الامیریة، ۱۳۷۵ هـ.ق)، ص ۱۰۷.
- ۴- نیکولاس رشر، منطق سینوی به روایت نیکولاس رشر، ترجمه دکتر لطف‌الله نبوی، (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰)، ص ۱۷.
- ۵- علامه حلی، القواعد الجلیه، تحقیق فارس حسون تبریزیان، (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲)، ص ۳۵۱-۳۵۲.

منابع

- ابن‌سینا، الشفاء، تحقیق ابوالعلا عقیفی، (قاهره، الامیریة، ۱۳۷۵ هـ.ق)؛
- ارسطو، منطق، با تحقیق عبدالرحمن بدوی، ج ۲، ج اول، (بیروت، دارالقلم، ۱۹۸۰م)؛
- رشر، نیکولاس، منطق سینوی به روایت نیکولاس رشر، ترجمه دکتر لطف‌الله نبوی، (تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۰)؛
- علامه حلی، القواعد الجلیه، تحقیق فارس حسون تبریزیان، (قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۲)؛
- فارابی، ابونصر محمد، المنطقیات للفارابی، تحقیق محمدتقی دانش‌پژوه، (قم، کتابخانه آیه‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۰ هـ.ق)؛

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی